

آیا سپاهیان پاسدار و عوامل بسیج، دانش پزشکی و اجرایی مقابله با ویروس بیماری کرونا را داشتند، ملت بی خبر بود؟!

امیرجواهری لنگرودی

شهروندان گرامی شهرستان لنگرود

کرونا را جدی بگیرید

۱. بیاییم همه با هم به همدیگر کمک کنیم
۲. هر شهروند یک سفیر * گروه سفیران زندگی *
۳. به گروه سفیران زندگی پیوندید تا دست در دست بکشدیگر از این بحران عبور کنیم

* شماره کارت جهت دریافت کمک های مالی دوستان
۶۱۰۴۳۳۷۶۶۳۴۸۷۴۷۶
بانک ملت - های حامی

انجمن خیرات لنگرودی



درحالی که کمبود امکانات برای مقابله و مهار شیوع ویروس کرونا در استان گیلان منجر به بروز فاجعه و اعلام وضعیت قرمز در شهرستان ها شده، مردم و جوانان با همیاری هم برخواسته تا کمکاری دولت را جبران و به یاری هموعان خود بشتابند. تشکیل کانون های خودگردان با خودمدیریتی مردمی برای تهیه امکانات و پول برای خرید ماسک و گان و ... در لنگرود، از نمونه های موفق و زیانزد این کارهاست. همچنین دخالتگری مردمی در بستن ورودی شهرها، کمکرسانی به بیمارستان ها از دیگر فعالیت های مردمی جوانان گیلان در این روزهاست. در حالی که بسیج هم در حرکاتی نمایشی و بی تأثیر سعی در مصادره این تلاش ها به نام خود دارد، مردم مشخصاً صف و کمک های خود را از آن نهاد وابسته به سپاه که در سال های گذشته جز غارت و سرکوب مردم کاری نداشته، جدا می کنند.

خبرها را که دنبال می کردم در تیتراژ "خبرگزاری تسنیم"، نزدیک به سپاه پاسداران، این خبر جلب نظر می کند: «فرمانده لشکر عملیاتی ۱۶ سپاه استان گیلان گفت: سپاه آماده همکاری همه جانبه با دستگاه های اجرایی برای کنترل این ویروس در سطح استان گیلان است». سرهنگ پاسدار بهروز دولتی گفته: «نیروهای لشکر عملیاتی سپاه گیلان دارای توانمندی لازم برای کمک بیشتر به کادر درمانی استان و جلوگیری از شیوع کرونا هستند و هماهنگی های لازم برای همکاری نیروهای لشکر عملیاتی سپاه گیلان با کادر درمانی بیمارستان رسول اکرم رشت در حال انجام است».

این مقام نظامی سپاه با بیان اینکه نیروهای سپاه آماده فعالیت و کمک به کادر درمانی بیمارستان رسول اکرم برای مبارزه با ویروس کرونا هستند گفت: «این موضوع پس از جمع بندی و موافقت نماینده وزارت بهداشت و درمان در استان گیلان عملی می شود». (۱) ایضاً در تاریخ دیگری، فرمانده سپاه گیلان هر پایگاه بسیج را یک پایگاه سلامت

دانست و گفت: «ریشه‌کنی ویروس کرونا نیازمند کارجهادی تمام فعالان و دلسوزان جامعه است. خبرگزاری تسنیم رشت، از قول سردار محمد عبدالله‌پور در نشست مشترک با محوریت اجرای طرح بسیج ملی مبارزه با کرونا در دانشگاه علوم پزشکی گیلان با اشاره به اینکه سلامتی نقش مهمی در پویایی و نشاط جامعه ایفا می‌کند، نوشت: «سپاه با بسیج تمام امکانات و ظرفیت‌های خود برای مقابله با گسترش ویروس کرونا در جامعه آمادگی دارد». وی مدعی شده: «۲۰ روز کار جهادی برای ریشه‌کنی ویروس کرونا زمان نیاز است و تمام فعالان و دلسوزان کشور باید توان خود را در این حوزه معطوف کنند». (۲)

با توجه به این دو خبر و ادعاهای فرماندهان سپاه باید پرسید: «سپاه کجای کار است؟ آیا سپاه می‌خواهد در شرایط گجی و غیبت آپارات دولت، به جلو خیز بردارد و به بهانه رشد ویروس کرونا، اداره سیاسی کل استان را برعهده گیرد؟!» نخستین نتیجه‌ای که از اخبار فوق‌الذکر برمی‌آید این است که: «سپاه ورود می‌کند و صرفاً خدمات لجستیکی ارائه می‌دهد».

اما پرسش اساسی این است: با توجه به تجربه و شناختی که نسبت به کارکرد سپاه است؛ و مقابله و مهار بحران شیوع ویروس کرونا که نیازمند کارشناسی و عملیات درمانی دارد، چرا باید سپاه در میانه ماجرا باشد؟ در استان گیلان جای نهادها و سازمان‌های متخصص کجاست؟ از سازمان‌های بهداشت و درمان تا خدمات شهری و همکاری سازمان‌ها و ادارجات یا مسئولین استانی، چه حرف جدی داریم به مردم منتقل کنیم که حالا سپاه و بسیج بخواهند همه جنبه‌های کار را به قبضه خود درآورند؟ جز این است که از متشکل شدن مردم و جوانان برای همیاری خودگردان در مهار و مقابله با کرونا در شهرها که مانند آتشفشانی زیر پای نظام است، هراسانند!؟



تجربه دخالت سپاه پاسداران، نه تنها در استان گیلان، بلکه در جای جای کشور، بر پایه ادعای فرماندهی سپاه، «کارجهادی تمام عیار» را در بحران‌هایی مانند زمین‌لرزه و سیل

از پیش دیدیم که جز سوء استفاده و مقاطعه‌کاری برای پول گرفتن از دولت ناکارآمدی که همه امکان و اختیارش در ید قدرت سپاه است، نبوده و نیست.

آنچه در مسیر رشد و گسترش ویروس کرونا - بعد از پیشرفتش در قم و گسترش آن در بخش وسیعی از استان‌های کشور از جمله در دو بخش شرق و غرب و مرکز استان گیلان، شهر رشت رخ می‌نماید - نشان داد چنانچه کادر درمانی کشور اعم از پزشکان و پرستاران و بهیاران و... بخواهند از کار درمانی انصراف بدهند، چه فاجعه‌ای در کشور رخ خواهد داد؟ حضور و سلامت یکایک آنها در جایگاه اجرایی‌شان، بسیار مهم، مفید و ارزشمند است. و باید حفظ و حراست از آنان در اولویت باشد، و امکانات و تجهیزات کافی و لازم برایشان تهیه شود. در حالی‌که در روزهای گذشته حوزه‌های علمیه کشور را تعطیل کردند. اقامه نماز جماعت در کل کشور لغو شده است. جلسات شورای نگهبان و مجلس خبرگان، در میان سه قوه، دولت تعطیل، حتی مجلس شورای اسلامی هم بدون بازپرداختن به لایحه بودجه سال آینده؛ تعطیل شد. حضرات مجلس نشین، پس از این‌که به شکل انحصاری از امکانات محدود آزمایش و تشخیص ابتلا به ویروس کرونا استفاده کردند، جانشان را برداشتند و فرار از تهران را در دستور کار خود قرار داده‌اند. و تنها قوه قضائیه است که در این شرایط خود را تعطیل نکرده و مشغول فیش برداری و همچنان در حال صدور احکام فوق بشری است. این دوسوی ماجرا را که در برابر هم قراردهیم تازه می‌فهمیم، نبود بعضی‌ها در کشور نه تنها احساس نمی‌گردد بلکه نبودشان کلی از هزینه‌های کشور را هم کم خواهد کرد.

اما در این میان سپاه پاسداران کجای کار است؟

با توجه به این‌که سپاه در این سال‌ها همیشه پنهانی و از پشت پرده، به شکلی فراقانونی، همچون دولتی در سایه اهدافش را پیش برده، وقتی یکی از فرماندهان سپاه مدعی‌ست: «سپاه آماده همکاری همه‌جانبه با دستگاه‌های اجرایی برای کنترل این ویروس در سطح استان گیلان است». بعید نیست بدون اعلام علنی دست به کنترل و در اختیار گرفتن استان زده باشد.

مردم می‌پرسند: سپاه پاسداران که علیرغم اعلام لزوم قرنطینه توسط وزارت بهداشت و پزشکان و کارشناسان، همواره با آن مخالفت کرده و بطور مشخص مخالفت با اعمال قرنطینه قم پیشتر از طرف سپاه بود، چگونه است که در گیلان پیشقراول کمک رسانی شده و در نشست مشترک با دانشگاه علوم پزشکی گیلان مدعی‌ست: با بسیج تمام امکانات و ظرفیت‌های برای مقابله با گسترش ویروس کرونا در جامعه آمادگی دارد طی ۲۰ روز کار جهادی ویروس کرونا را ریشه‌کن کند؟ اما سردار عبدالله‌پور که چنین ادعایی دارد، نمی‌گوید چگونه سپاه طی بیست (۲۰) روز کار جهادی ویروس کرونا را ریشه‌کن می‌کند؟ با اعلام حکومت نظامی؟ با سرکوب کارگران و دستفروشان که مجبور به بیرون آمدن از خانه و کسب درآمدند، با ممانعت از تشکل‌های مردمی و کمک‌رسانی خودگردان جوان‌هایی که از آنها سخت در بیمو هراسند؟

یک چیز روشن است؛ چنانچه قرنطینه گیلان در نتیجه اعلام وضعیت قرمز در شهرستان‌های رشت، تالش، انزلی و لنگرود اعلام شود، سپاه و بسیج و حتی ارتش می‌توانند برای محدود و ممنوع کردن رفت و آمدها و فعالیت‌های مرسوم در فضای شهرها و روستاهای منطقه خود اقدام ورزند. ادعای فرماندهی سپاه مبنی بر اینکه «سپاه آماده همکاری همه‌جانبه با دستگاه‌های اجرایی برای کنترل این ویروس در سطح استان گیلان است» ادعای بی معنی و دهن پرکن است که تنها مداخله‌گری در کار کادر پزشکی و درمانی و ایجاد نوعی ترمز و مانع در برابر پیشروی خدمات شهری کارگروه‌های مستقل و مداخله‌گری مردم خواهد شد.

امروز گسترش ویروس کرونا این فهم عمومی را تا اعماق جامعه گسترانده است که ضریح و مرقد، امام و امامزاده نه تنها شفا نمی‌دهند بلکه خود باعث و بانی بیماری‌اند. مردم حتی در دور افتاده‌ترین روستاهای کشور ما دریافته‌اند که بدون آخوند و خواندن تلقین بر گورها هم می‌شود جنازه‌ای را دفن کرد.

امروز مردم ما به چشم خویش دیدند که همه سرمایه‌های مملکت، صرف خرید موشک و تسلیحات سپاه سداران برای پیشبرد جنگ‌های نیابتی شده تا جایی که در مواقع ضروری حتی برای پزشکان و پرستاران، که ستارگان خط مقدم سلامت کشورند و با ایستادگی و پایوری خود در صف اول مبارزه با کرونا هستند، ماسک و مواد ضدعفونی کافی پیدا نمی‌شود.

امروز آحاد جامعه ما دریافته‌اند تمامی حاکمیت اسلامی، تنها عامل ورود ویروس کرونا به ایران و گسترش آن از طریق پروازهای مرتب هواپیمای ماهان به چین و از آن طریق به سراسر کشور است. اگر سران تا بُن دندان مسلح ایران به جای چپاول و غارت کشور، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و امکانات بهداشتی و درمانی کشور را مجهز می‌کردند امروز شاهد گسترش چنین فاجعه ضدانسانی نمی‌بودیم.

برای مردم بیدار دل ما روشن است تا به امروز، عوامل پنهان و آشکار سپاه و بسیج و لباس شخصی با دخالت بی‌جای خود جلوی احیاء و تشکیل نهادهای مستقل مردم نهاد را گرفتند و مانع شدند تا آنها در سطح شهرها و روستاها و با مراجعه به مردم و مدیریت خودگردان در تهیه و تجهیز امکانات ضروری در مواقع بحران بتوانند به هموعان خود مدد رسانند. این نظامیان مدعی، امروز بجای آمدن به میدان بهتر است که در پادگان‌ها و دفاتر بسیج باقی بمانند. چرا که ترس و وحشت حضور همین نهادهای مداخله‌گر که همواره سعی در حفظ وضع موجود به هر قیمتی حتی قتلعام فرزندان مردم دارند، خود مصیبت و دردسر دیگری برای مردم در بحران است.

مشکل اصلی امروز جامعه ما همچون دیروزمان در لحظه آفرینش بحران‌ها، همین مداخله‌گری بی‌جا و زمخت عوامل سپاهی است. آنان خود دامن زننده نفرت عمومی‌اند و هیچگاه تا به امروز نتوانستند جای خالی نگاه ملی و نیروی متخصص را پُر نمایند. چرا که آنان آتش بیار معرکه و عامل بحران عمومی جامعه بوده‌اند. چاره کار در این است که برای ایجاد اعتماد همگانی، آقایانی که نا آمدی خود را در همه امور نشان داده‌اند، رها

کنندو اداره امور کل استان و شهرها را بدون مداخله‌گری بسیج و سپاه به خود مردم و فرزندان جوان جامعه واگذاراند...

چهارشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۸ برابر با ۱۱ مارس ۲۰۲۰

منابع:

(۱) خبرگزاری تسنیم ۱۲ اسفند ۱۳۹۸

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/12/2215239>

(۲) خبرگزاری تسنیم ۲۰ اسفند ۱۳۹۸

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/12/20/2220784>